

موهای بازیگوش

بابت کول
آرش حسینیان



مترجم این کتاب منبع درآمدی ندارد. چنانچه مضمون این کتاب را مفید و راهگشا یافته‌اید و از توان مالی لازم نیز برخوردار هستید می‌توانید در صورت تمایل هزینه‌ای دلخواه به مترجم بپردازید. از طریق:

سپهر کارت صادرات

صاحب حساب: خدیجه خامه سیفی

شماره کارت: ۶۰۳۷ ۶۹۱۱ ۳۳۷۸ ۸۰۳۴

یا

شماره تماس: ۰۹۱۵۸۲۵۱۹۳۲

ایمیل: suseleng@yahoo.com

سپهر صادرات

صاحب حساب: خدیجه خامه سیفی

شماره حساب: ۰۳۲۹۵۰۰۳۲۵۰۰۳



Hair in Funny Places

by Babette Cole

Red Fox , 2001



موهای بازیگوش

اثر: بابت کول

ترجمه و تنظیم: آرش حسینیان

ویرایش اول: بهمن ۱۳۹۱



پیشکش به

امیر حسین آریان پور



باسپاس ویژه از

Tasha

تد، ميشه بگي كه من كي بزرگ مي شم؟



این بستگی به آقا و خانم هورمون داره.
اونا مسئول رشد تو هستن.



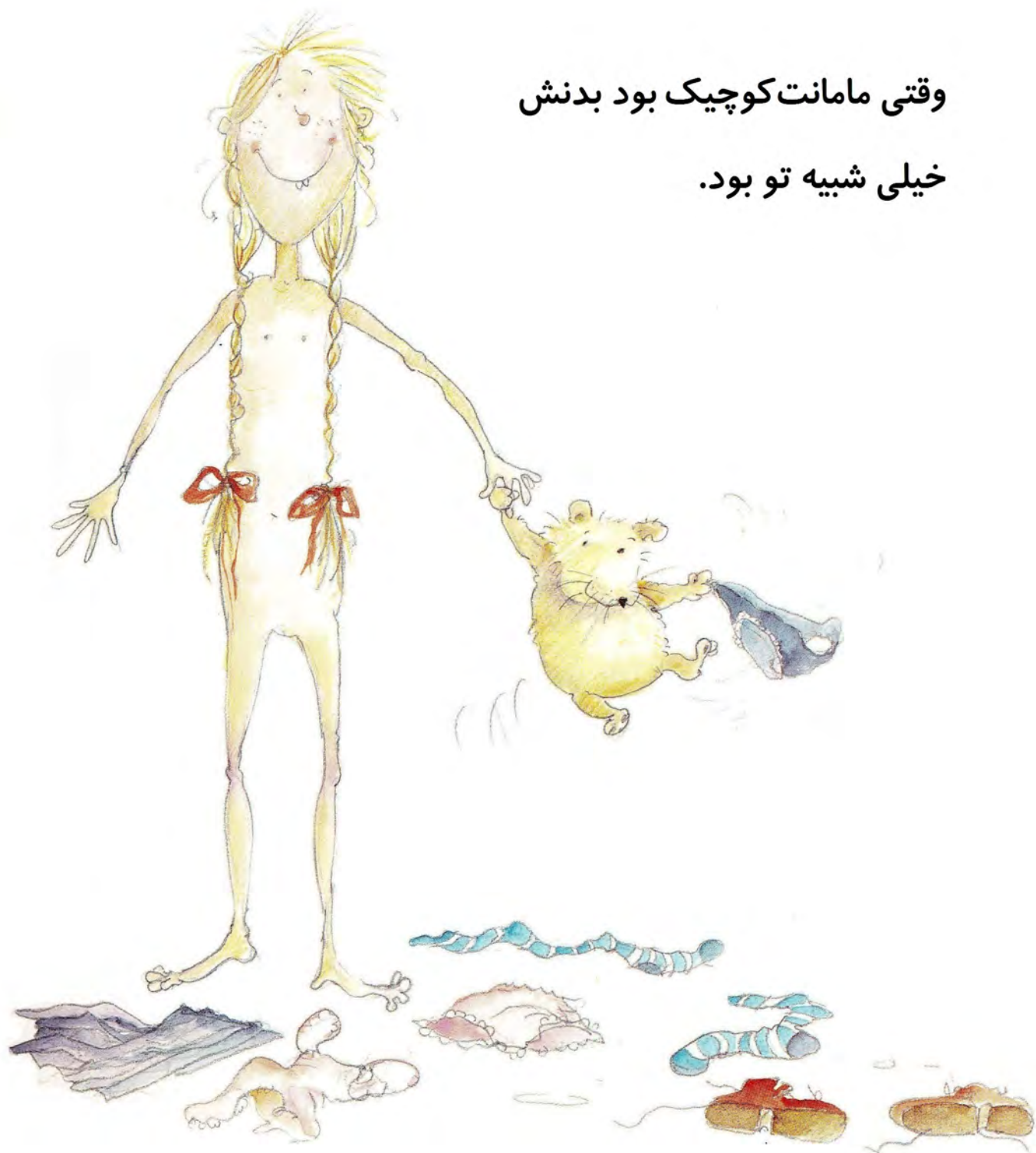
اونا درون بدن تو زندگی می کنن و
به قدری ریز هستن که همیشه با چشم دیدشون.

اما اگر می تونستی بینیشون این شکلی بودن.



وقتی مامانت کوچک بود بدنش

خیلی شبیه تو بود.



حدود یازده سال آقا و خانم هورمون تو بدنش آرام خوابیده بودن؛

تا وقتی که ساعت بدنِ مامانت اونا رو از خواب بیدار کرد!

و این خیلی آزرده‌شون کرد.



پس دست به کار شدن و معجونی درست کردن که بچه‌ها را تبدیل به آدم‌بزرگ می‌کنه. اونا این معجون رو همه‌جای بدن مامانت پخش کردن.



معجون خانم هورمون شروع به کار کردن کرد و

مدتی بعد روی سینه‌ی مامانت

دو تا پستون کوچولو جوونه زد.



و همینطور سر و کله‌ی یه سری موهای بازیگوش

تو یه سری جاهای جالب پیدا شد.



صداش هم کلفت تر شد.



و از همه عجیب تر، هر چند وقت
یه بار، چند قطره خون
تو شورتش پیدا می شد!



و این معنیش این بود که
مامانت می تونه یه روزی تو رو به دنیا بیاره.

از یکی دو سال بعد،
هر ماه یه بار
از سوراخ آلت جنسی ش
مقداری خون بیرون می‌اومد.



و بعضی وقتها این
اتفاق واقعاً حالش رو
خراب می‌کرد.



اما این همه‌ی ماجرا نبود.

اون از اینکه روز به روز بلندقد تر می‌شد خوشحال بود.



کم کم معجون باعث شد که به پسرا علاقه پیدا کنه.



اما همین معجون لعنتی صورتش
رو هم پُر جوش کرده بود.



بعضی موقع‌ها که سرعت رشدش
با بقیه‌ی دوستاش فرق می‌کرد
واقعاً نگران می‌شد.

اون نمی‌دونست که معجون خانم هورمون
روی همه به طور همزمان اثر نمی‌گذاره.



معجون باعث شده بود که حال و

اوضاعش یکسره تغییر کنه. یه روز حالش

خوبِ خوب بود و یه روز بدِ بد.

بعضی وقتها

خیلی از خودش

خوشش می‌آمد

...



و بعضی وقتها حوصله‌ی هیچ‌کس رو نداشت.

ولی از اینها که بگذریم؛

حالا بدنی داشت که هم برای خودش جذاب بود

و هم برای خیلی از پسرها.



و اما از بابات برات بگم.

وقتی ۸ ساله بود، هورمون‌ها تو بدنش دست بکار شدن.

تا اون موقع بدنش خیلی شبیه دخترها
بود- و تنها شکل آلت جنسی‌ش با دخترا
فرق می‌کرد.

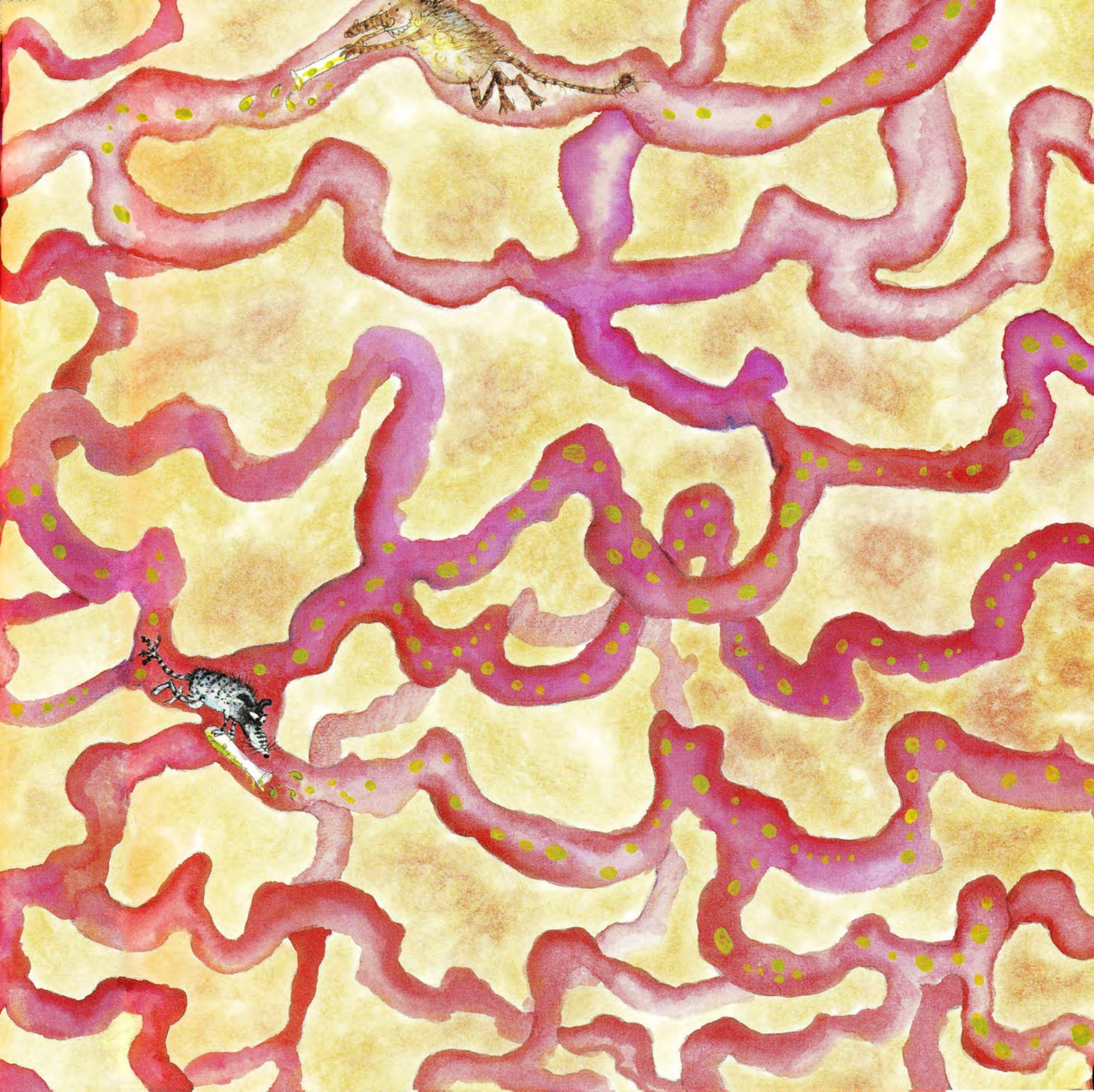




برای رشد بابات هورمون‌ها از معجون شیمیایی متفاوتی استفاده کردن.

و همه‌جای بدنِ بابات رو
پر کردن از این معجون.





یکی دو سال بعد

شونه‌های بابات پهن‌تر شد و

آلت جنسی‌ش کلفت‌تر شد.



در یه سری از جاهای بدنش هم
موهای بازیگوش شروع به رشد کردن.

و از صدایش هم یادمون نره
که چند دقیقه کلفت می‌شد و
چند دقیقه خروسی.



به زودی شیفته و بی قرار
دخترها شد.



اما آقای هورمون سخت مشغول
بود و داخل آلت جنسی ش هم
یواشکی مشغول درست کردن
یک معجونِ دیگه بود.



این معجون باعث می‌شد آلت جنسی‌اش وقت و بی‌وقت کوچک و بزرگ بشه.
تا اینکه چند وقت بعد یه مایع چسبناک از آلت جنسی‌ش بیرون اومد
و این یعنی اون یه روز می‌تونست بابای تو بشه.





حالا دیگه دوست داشت دخترها را ببوسه
اما هورمون‌ها بدنش رو بدبو و پر از جوش کرده بودن.



وقتی به هیجده سالگی رسید

کم کم جوش‌ها از بین رفتن.

حالا اون یه جوون

خوش‌قیافه شده بود.



بعد از این اتفاقات بود که آقا و خانم هورمون برای
درست کردنِ خاص‌ترین معجونِ خودشون دست بکار شدن.





وقتی پدر و مادرت با هم آشنا شدن،
این معجون خاص اونها رو مثل آهن ربا به سمت هم کشوند.



و اونها يك دل نه، هزار دل عاشق همديگه شدن!

و مدتی نگذشت که تو رو درست کردن.



فکر می‌کنم وقتی که بزرگ بشی،
دیگه به من احتیاجی نداشته باشی.

اوه تد عزیزم! اینطور نیست.
تو اونقدر دانا هستی که من
همیشه دوستت خواهم داشت.



تد بزرگ شدن خیلی از بچه‌ها رو به چشم دیده. اون با دانایی و به شکلی جالب توضیح
می‌ده که چطور آقا و خانم هورمون معجون‌های عجیب و غریبی درست می‌کنن که
می‌تونه بچه‌ها رو تبدیل به آدم‌بزرگ کنه...
و به عالمه اتفاق هیجان‌انگیز دیگه...

موزیانه و جالب ...

The INDEPENDENT

کتابی که یخ خیلی‌ها را آب می‌کند و خنده‌های پنهانی را به قهقهه تبدیل می‌کند.

The Times

